

آینه کاری روی این دوخت ها هم کار تازه ای است که او این روزها در کارگاهش انجام می دهد.

او در این مدت، چالش های زیادی را پشت سر گذاشته است؛ از خرید دستگاه های به روز تا تهیه نخ اکرلیک خاص برای دوختن طرح ها. اما پیدا کردن بازار فروش برای او یکی از چالش های اصلی بوده است؛ «باید اول بازار فروش را یاد بگیرم. به نظرم فروشنده عالی می تواند تولیدکننده خوبی هم باشد».

این تولیدکننده می گوید: پارچه های ما به طور عمده به بازارهای سیستان و بلوچستان، مشهد، کرمان، مازندران، شیراز وهرشهری که بلوچ داشته باشد، همچنین کشورهای افغانستان و پاکستان ارسال می شود. این تولیدکننده ایده های زیادی برای ترویج سوزن دوزی سنتی دارد. او ادامه می دهد: می خواهیم آن قدر کارم را گسترش بدهیم که در ۱۰ سال آینده در شرق کشور به قطب دوخت های سنتی تبدیل شویم.



❖ دنیای پر قصه سوزن دوزی بلوچی

بانوان بلوچ ساعت ها زمان صرف می کنند تا لباس های زیبایی بدوزند. محصولات آن ها نه تنها برای استفاده روزمره، بلکه درجهیزیه و حتی کالاهای ارزشمند اقتصادی کاربرد دارد. حالا که پارچه ها را نگاه می کنم، می دانم که نقشه های گیاهی و گل و بوته شامل گل های ریز و درشت، ساقه، برگ، نقوش جانوری و پرندگان است. شوریده می گوید: به طور کلی می توان گفت هر منطقه، امضای خاص خودش را در نقوش دارد؛ برای مثال، بلوچ ها بیشتر هندسی و زاویه دار کار می کنند، خراسانی ها و کرمانی ها به سمت گل و بوته و طبیعت رفته اند و جنوبی ها مثل بندرعباس بیشتر آینه دوزی می کنند و نمادهای خورشید و ستاره دارند. سوزن دوزی تنها یک مهارت دستی نیست، بلکه میراثی فرهنگی است که نشان دهنده خلاقیت، صبوری و ذوق هنری بانوان ایرانی است. این هنر، روایتگر تاریخ و فرهنگ هر قوم است و بانگاه به یک لباس سوزن دوزی شده می توان درباره ریشه ها و هویت صاحبان آن صحبت کرد.

از جمله اهداف آقای شوریده این است که تیمی تخصصی داشته باشد تا بتواند کتابی در زمینه طرح ها، داستان ها و افسانه هایی که پشت این دوخت های سنتی است، به رشته تحریر درآورد و آن را به چاپ برساند.

❖ چالش های کار تولید

بسیاری از آن هایی که دستی در دوخت سنتی داشته اند، با دوخت صنعتی مخالف اند. این موضوعی است که شوریده به آن واقف است. اما معتقد است که دوخت های دستی سنتی بسیار گران قیمت هستند و تهیه چند دست لباس در سال برای علاقه مندان این دوخت، مقرون به صرفه نیست. در صحبت هایش تاکید می کند: ماشین صنعتی نمی تواند جای هنر دست بانوان بلوچ را بگیرد. اما دوخت های صنعتی کمک می کند که با قیمت کمتری این پارچه های مورد نیاز به دست خریداران برسد.

لازم داشت، ۳۰ میلیون تومان بود. اما کل پس اندازش ۱۵ میلیون بود. با کلی قرض بالاخره کارش را شروع کرد.

این طور ادامه می دهد: ماه اول در مجموع ۴۰۰ هزار تومان سود کردم، این در حالی بود که ۷۰۰ هزار تومان باید حقوق کارگر می دادم.

کار جدید بود و او و همکارانش هنوز سرعت عمل چندانی نداشتند؛ به همین دلیل سفارش ها به موقع نمی رسید و باید به کارفرما به خاطر دیر رساندن کار خسارت هم می داد. چند ماه اول، دلهره و نگرانی رهایش نمی کرد. مدام نصیحت های اطرافیان را به خاطر می آورد که به او گفته بودند در این وضعیت، کار را شروع نکنند. اما او شکست را قبول نمی کرد. تلاش هایش نتیجه داد و بعد از چند ماه، کار به سود دهی رسید.

❖ شروعی با تمام توان

شوریده سال ۹۷ از دواج کرد و در این مسیر پر التهاب، همسرش همراهش شد. او برای اینکه بیشتر با دوخت های سنتی بلوچی آشنا شود، هر ماه دو یاسه بار به سیستان و بلوچستان سفر می کرد؛ «اوایل فقط برای کپی برداری از کارها به بازارهای این استان می رفتم، اما سال های بعدی برای یاد گرفتن و آموزش سفر می کردم».

به نظر محمد آقا دنیای دوخت های بلوچی و سنتی کشورمان آن قدر گسترده است که اگر سال ها هم برای آموزش و یادگیری زمان بگذاری، باز کم است.

در همین رفت و آمد ها به فرهنگ و سنت بلوچی بیشتر علاقه مند شد و تلاش کرد اطلاعاتش را افزایش دهد و آن را وارد دوخت هایش کند. پارچه ای را که نزدیکش است، به دست می گیرد و دوباره انواع گل ها، دوخت های هندسی که طرح آن ها روی پارچه های سنتی دوخته می شوند، توضیح می دهد: این دوخت یکی از سبک های شناخته شده سوزن دوزی بانوان بلوچی است؛ دوختی که باریزه کاری، طرح های هندسی و رنگ های گرم شناخته می شود.



❖ یک خانواده ایم

لیلا پور خسروانی نزدیک به دوازده سال است که با کارگاه شوریده همکاری دارد. او از طریق یکی از اطرافیاناش به این کارگاه معرفی شده و در این مدت، کارهای مختلفی مانند آینه کاری لباس ها را در کارگاه آموخته و انجام داده است. لیلا خانم همان طوره که در حال بسته بندی پتل ها برای ارسال است، حرفش را این طور شروع می کند: سر رشته ای از کار دوخت و پارچه نداشتم. در این سال ها زیر نظر آقای شوریده، آموزش های مختلفی را گذراندم، به طوری که حالا بعد از دوازده سال کار، اگر پارچه ای ببینم، جنس پارچه، تمیزی گل دوزی و نخ استفاده شده در آن را تشخیص می دهم.

او یکی از ویژگی های خوب کارگاه را این طور بیان می کند: در جاهای دیگری که مشغول به کار بودم، فقط تحویل کار برایشان مهم بود. اما اینجا محیطی گرم و صمیمی است. بین همکارانی که با آن ها هشت ساعت کاری را می گذرانم، رفاقت حرف اول را می زند. هوای هم را داریم و تا جایی که بتوانیم به هم کمک می کنیم.

❖ روحیه کار تیمی

نفیسه حدود پنج شش ساعت را در کارگاه می گذراند. تک تک بانوان را می شناسد و با برخی از آن ها رفاقت دارد. او می گوید: برای ما تولید مهم است. اما از آن مهم تر، روحیه تیمی و سلامت روان افراد مهم است. به همین دلیل از مشاوره خواستیم که جلسه های مشاوره برای بانوان و آقایان داشته باشیم. این کار تأثیر خوبی روی روحیه کاری و تولیدمان دارد.

نگاه او و همسرش با وجود همه سختی ها، همچنان به آینده است.

نفیسه خانم می گوید: دوخت سنتی فقط هنر نیست، بلکه میراثی فرهنگی است که باید حفظ شود. ما تلاش می کنیم با دوخت صنعتی، این هنر را زنده نگه داریم و هم زمان به اقتصاد خانواده ها کمک کنیم.

❖ همراه سختی ها

نفیسه محمدزاده، همسر آقای شوریده، در تمام مدتی که گفت و گو می کنیم، بین برش کاران و چرخ کاران حضور دارد و پایه پای آن ها فعالیت می کند. گاهی نکته ای به حرف های همسرش اضافه می کند. او از زمانی که ازدواج کرده، با دوخت های سنتی بلوچی آشنا شده است و حالا تا حدودی به کار تسلط پیدا کرده و خودش طراحی هم می کند. او می گوید: روزهای سختی را پشت سر گذاشتیم؛ از دوران کرونا که برای مدت محدودی ماسک تولید کردیم تا روزهایی که کمترین فروش را داشتیم. تلاش کردیم سفره ای که داریم کوچک نشود. اما همه دور آن جمع باشیم.

نفیسه از حمایت نکردن بانک ها از تولید کنندگان و از منابع زیادی که برای گرفتن وام وجود دارد، دلگیر است و از اینکه قوانین سخت اداری، مانعی بر سر راه بخش صنعت و تولید است، گلایه دارد.